

مہارون پیر علی رضا
پنجمین اجلاس العرب و ایشیائی ممالک

Mahdaviat
in present time

the 5th
Meeting of reviewing existence
dimension of hazrat

Mahdi

(May God bless the representative)

موعود در قرآن

سید عباس سید کریمی حسینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موعود در قرآن

سیدعباس سیدکریمی حسینی

به سفارش

دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی عجالتاً

سید کریمی حسینی، عباس، ۱۳۳۸.
موعود در قرآن / مؤلف عباس کریمی حسینی : به سفارش
دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی. - قم: سازمان تبلیغات اسلامی،
دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی، ۱۳۸۵.
۶۱ ص.

ISBN: 964-96877-7-7 ۶۵۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیما.

کتابنامه به صورت زیر نویس.

۱. مهدویت -- جنبه های قرآنی. ۲. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم،
۲۵۵ ق --- جنبه های قرآنی. الف. اجلاس دوسالانه بررسی ابعاد
وجودی حضرت مهدی (عج). دبیرخانه دائمی. ب. عنوان.

۲۹۷ / ۱۵۹

BP ۱۰۴ / م ۸۶

م ۸۵ - ۱۱۴۳۱

کتابخانه ملی ایران

موعود در قرآن

مؤلف: سید عباس سید کریمی حسینی

تدوین / ناشر: دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی علیه السلام

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۸۵

چاپخانه: گلها

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

بها: ۶۵۰۰ ریال

شابک: ۷-۷-۹۶۸۷۷-۹۶۴

کلیه حقوق محفوظ می باشد.

با قدر دانی از همکارانی که در تولید این اثر نقش داشته اند:

کارشناسان ارزیابی: هیأت علمی دبیرخانه اجلاس:

مدیر تدوین: سید جمال الدین شمس: بازبینی نهائی: جواد محفوظی نژاد:

مدیر هماهنگی و نظارت: مجید افشار: مدیر تولید و نشر: سید محمد باقی زاده:

صفحه آرائی: سید محمد مسجدی: طرح جلد: هادی معزی.

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۱۱	آیه اول
۱۱	نکته‌ها
۱۴	نکات تفسیری
۱۶	نظر نگارنده
۱۹	آیه دوم
۱۹	نکته‌ها
۲۰	اقوال مفسران
۲۴	جمع بندی
۲۷	آیه سوم
۲۷	نکته‌ها
۲۹	نکات تفسیری

۳۱ اقوال مفسران

۳۵ جمع بندی اقوال

۳۶ کدام قول را انتخاب کنیم؟

۴۰ پژوهشی در واژه «خلیفه» و «استخلف»

۴۴ نتیجه گیری

۴۵ جمع بندی

۴۷ **آیه چهارم**

۴۷ نکته ها

۴۸ نکات تفسیری

۴۹ جمع بندی

۵۱ **آیه پنجم**

۵۱ نکته ها

۵۳ نکات تفسیری

۵۵ نقد اقوال و نظر نگارنده

۵۷ **آیه ششم**

۵۷ نکته ها

۵۸ نکات تفسیری

۶۰ نقد اقوال و نظر نگارنده

تقدیم

با حمد و ستایش خداوند یگانه و با درود بی پایان بر
حضرت محمد صلی الله علیه و آله و خاندان پاکش، به ویژه عدالت گستر
جهان حضرت مهدی عجل الله فرجه.

آنچه بشر با فطرت خویش به روشنی درک می‌کند
زیبایی عدالت و زشتی و پلشتی ستم است که آن را از
ضروریات عقلی می‌نامند. همگان از عدالت سخن
می‌گویند و حتی ستمگران تاریخ به دروغ خود را مجریان
عدالت معرفی می‌کنند و هرگز حاضر نیستند نام ستمگر را
برای خویش برگزینند.

فطرت بشر تشنه عدالت و حاکم دادگر و حکومت
عادلانه است. این امر در نوشتار بعضی فیلسوفان و
کتابهای آسمانی تورات و انجیل و غیر آن آمده است. در
قرآن شریف نیز از عدالت بسیار سخن رفته است که یکی
از آنها وعده حکومت عدل جهانی است که به حضرت
مهدی عجل الله فرجه سپرده خواهد شد، در این مقاله به‌طور

گسترده به آن خواهیم پرداخت.

قرآن شریف در موضوع عدالت و قسط سخنان بسیاری آورده است. خداوند در قرآن تمام مؤمنان را به عدالت فرا می خواند و می فرماید:

پیوسته در صدد برپاداشتن عدالت باشید. گرچه به زیان خود و بستگان شما باشد.^۱

همچنین همگان را به رعایت عدالت در دادوستد (پیمانه عادلانه) فرا می خواند، تا به طرفین معامله ستمی صورت نگیرد.^۲ پیامبر از طرف خداوند به اجرای عدالت مأمور می شود.^۳ و در آیه‌ای هدف از فرستادن رسولان و نازل کردن کتابهای آسمانی را برپایی عدالت معرفی می کند.^۴

در جایی دیگر می فرماید:

خداوند عدالت پیشگان و مجریان عدالت را دوست می دارد.^۵

۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ، (نساء/ ۴: ۱۳۵)،

با استفاده از تفسیر مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۱۰.

۲. أَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ، (انعام/ ۶: ۱۵۲).

۳. قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ، (اعراف/ ۷: ۳۹).

۴. وَأَرْسَلْنَا رَسُولَنَا بِالْبَيِّنَاتِ...، (حدید/ ۵۷: ۲۵)، با استفاده از

تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۱۷۱.

۵. إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ، (مائده/ ۵: ۴۲).

مقاله‌ای که با نام مهدی موعود عجل الله فرجه در قرآن پیش روی شماست به بررسی شش آیه از آیات قرآن دربارهٔ وعده جهانی حکومت حضرت مهدی عجل الله فرجه پرداخته است. آیات نامبرده منحصر به شش آیه نیست، ولی به خاطر اختصار و روشن بودن دلالت این شش آیه و اعتراف برخی از اهل سنت نسبت به دلالت این آیات، این شش آیه مورد بررسی قرار گرفته است.

مقاله را می‌توان در این جمله خلاصه کرد که خداوند در این آیات تحقق یک حکومت الهی و عادلانه را در سراسر کرهٔ زمین وعده داده است و شکست کفر و نفاق و فسق، و طنین انداز شدن ندای الله اکبر و توحید را در سراسر زمین حتمی دانسته که این وعده تاکنون محقق نشده است لیکن حتماً روزی محقق خواهد شد و این همان روز قیام حضرت مهدی عجل الله فرجه است.

سید عباس سید کریمی حسینی

آیه اول

﴿قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ
إِلَىٰ جَهَنَّمَ وِبِئْسَ الْمَهَادُ﴾^۱

نکته‌ها

۱- در برخی از تفاسیر در شأن نزول آیه چنین آمده است:

بعد از پیروزی مسلمانان بر مشرکان در جنگ بدر، پیامبر ﷺ وارد مدینه شد و یهود مدینه را در بازار قینقاع گرد آورد و خطاب به آنان چنین فرمود:

از خداوند بترسید و از شکست بت پرستان پند بگیرید و پیش از آنکه همانند قریش بت پرست با شما رفتار شود به اسلام بگروید. شما به خوبی می‌دانید که من پیامبر مرسل هستم و این را در کتاب خویش خوانده‌اید.

۱. آل عمران / ۳: ۱۲ .

یهود در جواب گفتند: ای محمد، از پیروزی بر مشرکان مغرور نشو، آنان مردمانی بودند که از فنون جنگ آگاهی نداشتند. به خدا سوگند، اگر ما با تو بجنگیم آن وقت خواهی فهمید که ما مردمانی جنگجوییم. در این هنگام آیه ﴿قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا...﴾ نازل گردید و از شکست یهود در آینده خبر داد.^۱

۲- شأن نزول‌های دیگری نیز بیان شده است، لیکن از آنجا که شأن نزول موجب نمی‌شود آیه محدود به مورد نزول شود از ذکر آنها خودداری می‌نماییم.

۳- مراد از ﴿الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ تمام کافران است؛ خواه کافرانی که در زمان پیامبر ﷺ بوده‌اند، مانند یهود مدینه و بت‌پرستان مکه، و یا کافرانی که در زمان‌های آینده خواهند آمد.

۴- واژه ﴿قُل﴾ (بگو) موجب نمی‌شود که مخاطب آیه منحصر به کافران زمان پیامبر ﷺ باشد. زیرا مقصود از ﴿قُل﴾ اعلام حکم و دستور خداوند است. مانند:

﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ...
وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ...﴾^۲ به مردان و زنان مؤمن بگو چشمان خود را از نگاه به نامحرم فرو آورند و دامن خود را پاکیزه نگه دارند.

۱. طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج ۲، ص ۲۴۵ - ابن جریر طبری، تفسیر

جامع البیان، ج ۳، ص ۲۶۰.

۲. نور/۲۴: ۳۰ و ۳۱.

۵- «سَتُغْلَبُونَ» (شما کافران شکست خواهید خورد)؛

بنابه گفته بسیاری از مفسران^۱ و نیز شواهد بسیاری از دیگر آیه‌های مشابه،^۲ مراد شکست در دنیاست و برخی آن را به جنگ بدر تطبیق داده‌اند؛ لیکن بیان خواهیم کرد آن روزی است که حضرت مهدی عجالت‌الفرجه فرزند امام عسکری، از آل محمد علیهم‌السلام ظهور خواهد نمود.

۶- اینکه به همه کافران در تمام زمان‌ها نسبت

شکست داده است - در صورتی که شکست در زمان ظهور حضرت مهدی عجالت‌الفرجه است - بدان علت است که کافران به موجب اشتراک در هدف به منزله گروه واحد به حساب می‌آیند و شکست آنان در هر زمانی به منزله شکست آنان در تمام زمان‌هاست. چنانکه مسلمانان نیز به منزله گروه واحد هستند و پیروزی آنها در یک زمان، به منزله پیروزی تمام آنان در همه اعصار است.

۷- در مجمع البیان آورده است:

مفاد آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»^۳ با آیه: «قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا

۱. طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج ۲، ص ۲۴۹ - طبرسی، تفسیر

جوامع الجامع، ج ۱، ص ۲۶۸ - سیوطی، تفسیر جلالین، ص ۶۶ -

بیضاوی، به نقل از تفسیر کنز الدقائق، ج ۱، ص ۳۲.

۲. توضیح بیشتر در بخش تفسیر خواهد آمد.

۳. توبه/۹: ۳۳ - فتح/۴۸: ۲۸ - صف/۶۱: ۹.

سَتُغْلَبُونَ...» یکسان است و در هر دو پیروزی اسلام و شکست کفر وعده داده شده است.^۱

۸- در مجمع البیان در تفسیر آیه: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ» آورده است:

امام باقر علیه السلام فرمود:

پیروزی اسلام بر تمام ادیان هنگامی است که حضرت مهدی عجل الله فرجه از خاندان حضرت محمد صلی الله علیه و آله ظهور کند. در آن هنگام همگان به رسالت آن حضرت اعتراف خواهند کرد.^۲

۹- این آیه همانند آیات مشابه آن، دلیل بر ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه است. زیرا شکست همه کافران تنها در زمان آن حضرت محقق خواهد شد.

۱۰- کافران در جهنم محشور خواهند شد.

۱۱- جهنم جایگاه بسیار بدی است.

نکات تفسیری

مراد از «الَّذِينَ كَفَرُوا» چه کسانی هستند؟ برخی از مفسران گفته‌اند مراد یهود است.^۳ و برخی گفته‌اند مراد

۱. طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج ۶، ص ۹۱.

۲. همان، ج ۵، ص ۴۵.

۳. ابن جریر طبری، پیشین، ج ۳، ص ۲۶۲.

مشركان مكه هستند. در الميزان گفته است:

مناسب است بگويم مراد مشركان مكه هستند. زيرا اتصال بين اين آيه با آيه قبل چنين اقتضا دارد.^۱

به نظر نگارنده مناسبتر است كه مراد تمام كافران در همه اعصار باشد؛ - چنانكه در نکته‌ها بيان شد - زيرا ﴿الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ عام و در برگیرنده همه كافران است.

در مجمع البيان پيرامون ﴿سَتُغْلَبُونَ﴾ آمده است:

... تصيرون مغلوبين في الدنيا ﴿وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ﴾: تجمعون الى جهنم في الآخرة وقد فعل الله ذلك. فاليهود غلبوا بوضع الجزية عليهم والمشركون غلبوا بالسيف.^۲

در جوامع الجامع آمده است:

ستصيرون مغلوبين في الدنيا ﴿وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ﴾ في الآخرة وقيل: ان المراد بـ﴿الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ مشركون مكة أي ستغلبون يوم بدر وایهما أريد فقد فعل الله ذلك. فان اليهود قد غلبوا بقتل بنی قریظه واجلاء بنی النضير ووضع الجزية على من بقى منهم وغلب المشركون أيضاً.^۳

۱. محمدحسین طباطبائی (علامه)، تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۹۲.

۲. طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج ۲، ص ۲۴۹.

۳. طبرسی، تفسیر جوامع الجامع، ج ۱، ص ۲۶۸.

سیوطی گفته است:

ستغلبون في الدنيا بالقتل والاسر وضرب الجزية
وقد وقع ذلك.^۱

تفسیر تقریب القرآن آورده است:

﴿لِّلَّذِينَ كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ﴾ أي بعد قليل يكونون مهزومين
اما في الدنيا بغلبة الاسلام كما اخبر حيث ان الاسلام غلبهم
واخذ بلادهم ﴿وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ﴾ يوم القيامة وأما في
الآخرة بمعنى انكم بعد قليل تهزمون امام امر الله سبحانه
ويقبضكم ملك الموت الذي وكل بكم.^۲

نظر نگارنده

آیه ویژه زمان پیامبر ﷺ نیست، بلکه دربرگیرنده همه
زمان‌هاست. گرچه نمونه‌هایی از پیروزی در زمان پیامبر ﷺ
محقق شده، لیکن پیروزی کامل و فراگیر بر همه کافران،
در زمان آینده است که حضرت مهدی عجل الله فرجه ظهور
می‌نماید. به نظر ما این آیه مانند بسیاری از آیات دیگر
است که پیروزی اسلام را در آینده وعده می‌دهد؛ چنانکه

۱. سیوطی، تفسیر جلالین، ص ۶۶.

۲. شیرازی، تقریب القرآن الی الاذهان، ج ۳، ص ۵۶.

حرف س در «سَتُغْلِبُونَ» نیز بر این مطلب دلالت دارد. صل وعده پیروزی از آیه استفاده می‌شود، اما اینکه تاکنون محقق شده است یا نه، در آیه بیانی ندارد. با توجه به سایر آیات، که در آینده مورد بحث واقع می‌شود، مفاد این آیه نیز روشن‌تر خواهد شد.



آیه دوم

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ
عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾^۱
﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ
عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا﴾^۲

نکته‌ها

- ۱- خداوند پیامبر خویش را با هدایت و دین حق فرستاده‌است.
- ۲- دین اسلام را بر تمام ادیان پیروز خواهد کرد.
- ۳- این پیروزی انجام خواهد گرفت؛ گرچه خوشایند بت پرستان نباشد.
- ۴- در اینکه این پیروزی در چه زمانی رخ خواهد داد،

۱. توبه/۹: ۳۳ - صف/۶۱: ۹.

۲. فتح/۴۸: ۲۸.

بر پایه روایات شیعه و اهل سنت زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه خواهد بود و در زمان آن حضرت است که اسلام در تمام کوی و برزن حاکم، و بر همه ادیان پیروز می‌گردد.

۵- برخی از مفسران گفته‌اند مراد از پیروزی، چیرگی در منطق و استدلال است، ولی به نظر می‌رسد که مراد پیروزی ظاهری است؛ گرچه اسلام از نظر منطق بر همه ادیان غالب است.

اقوال مفسران

تفسیر عیاشی آورده است:

عن ابي المقدم عن ابي جعفر عليه السلام في قول الله: ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ...﴾ يَكُونُ اِنْ لَا يَبْقَى اَحَدٌ اِلَّا اَقْرَبَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ... وَعَنْ سَمَاعَةَ عَنْ اَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: ﴿هُوَ الَّذِي اُرْسِلَ رَسُوْلُهُ بِاِهْدَى وِدْيِنِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ...﴾ قَالَ: اِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَبْقَ مُشْرِكٌ بِاللّٰهِ الْعَظِيْمِ وَلَا كَافِرٌ اِلَّا كَرِهَ خُرُوْجَهُ.^۱

در تفسیر قمی آورده است:

قال علي بن ابراهيم في قوله: ﴿هُوَ الَّذِي اُرْسِلَ رَسُوْلُهُ بِاِهْدَى وِدْيِنِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ

۱. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۸۷.

«الْمُشْرِكُونَ» فانها نزلت في القائم من آل محمد.^۱

در تفسیر مجمع البیان آمده است:

«وَلِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» معناه ليعلى دين الاسلام على جميع الاديان بالحجة والغلبة والقهر لها حتى لا يبقى على وجه الارض دين الا مغلوباً، ولا يغلب احد اهل الاسلام بالحجة، هم يغلبون اهل سائر الاديان بالحجة... وقيل اراد عند نزول عيسى بن مريم لا يبقى اهل دين الا اسلم، او ادى الجزية. [و هو] عن الضحاك. وقال ابو جعفر عليه السلام: ان ذلك عند خروج المهدي من آل محمد فلا يبقى احد الا اقرّ بمحمد. وهو قول السدّي. وقال الكلبي: لا يبقى دين الا ظهر عليه الاسلام، وسيكون ذلك ولم يكن بعد، ولا تقوم الساعة حتى يكون ذلك.^۲

و نیز در مجمع البیان است:

آیه «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ...» با آیه «قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ» در معنی یکسان است و هر دو، پیروزی اسلام و شکست کفر را وعده داده است.^۳

۱. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۸۹.

۲. طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج ۵، ص ۴۵.

۳. همان، ج ۶، ص ۹۱.

نیز در مجمع البیان آمده است:

روی العیاشی... انه سمع امیر المؤمنین علیه السلام يقول: ﴿هُوَ
الَّذِي أُرْسِلَ رَسُولُهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَىٰ الدِّينِ
كُلِّهِ...﴾ أظهر بعد ذلك؟ قالوا: نعم. قال: كَلَّا فوالذي نفسي بيده
حتى لا يبقى قرية الا وينادي فيها بشهادة ان لا اله الا الله
بكرة وعشياً.^۱

در المیزان آورده است:

قوله تعالى: ﴿هُوَ الَّذِي أُرْسِلَ رَسُولُهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ
لِيُظْهِرَهُ عَلَىٰ الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ المعنى ان الله ارسل
رسوله وهو محمد صلی الله علیه و آله مع الهداية - او الآيات والبيّنات - ودين
فطرى ليظهر وينصر دينه الذي هو دين الحق على كل الاديان
ولو كره المشركون ذلك.^۲

در جامع البیان آورده است:

تحقق این آیه به هنگام نزول عیسی علیه السلام است که دجال
کشته می شود و تمام ادیان پیرو او خواهند بود.^۳

۱. همان، ج ۹، ص ۴۶۳.

۲. محمد حسین طباطبایی (علامه)، پیشین، ج ۹، ص ۲۴۷.

۳. ابن جریر طبری، پیشین، ج ۱، ص ۱۵۰ و ج ۲۶، ص ۱۴۱ و ج ۲۸،

ابن جوزی گفته است:

در آیه دو احتمال است: ۱- نزول عیسی علیه السلام ۲- از سدّی نقل شده است که مراد خروج مهدی عجل الله فرجه است.^۱

تفسیر قرطبی آورده است:

در آیه دو احتمال است: ۱- نزول عیسی علیه السلام ۲- از ابوهریره و سدّی نقل شده است که مراد خروج مهدی است.^۲

و نیز در همان:

فروی ان جميع ملوك الدنيا كلها اربعة: مؤمنان و كافرين،
فالمؤمنان سليمان بن داود و اسكندر، والكافر نمرود و
بختنصر و سيملكها من هذه الامة خامس لقوله تعالى ﴿لِيُظْهِرَهُ
عَلَى الدِّينِ كُؤْلِهِ﴾^۳ وهو المهدي.^۴

در تفسیر نمونه آمده است:

البته مرحله نهایی این پیش‌روی (پیش‌روی اسلام) به عقیده ما با ظهور حضرت مهدی - ارواحنا فداه - تحقق می‌یابد؛ که این آیات خود دلیل بر آن ظهور عظیم است.... در باره محتوای این آیه و اینکه منظور غلبه منطقی یا غلبه

۱. ابن جوزی، زاد المسیر، ج ۳، ص ۲۹۰.

۲. تفسیر القرطبی، ج ۸، ص ۱۲۱.

۳. توبه/۹: ۳۳.

۴. تفسیر القرطبی، ج ۱۱، ص ۴۸.

قدرت است، و ارتباط آن با ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه، بحث‌های بیشتر را در تفسیر آیه ۳۳ توبه آورده‌ایم.^۱

در تفسیر احسن الحدیث آمده است:

مصدق کامل آن دو آیه در وقت ظهور حضرت مهدی - صلوات الله علیه وعلی آباءه - خواهد بود؛ گرچه در زمان نزول نیز [اسلام] بر همه ادیان جزیره العرب پیروز گردید.

در کتاب کافی از امام کاظم علیه السلام در ضمن روایتی نقل شده است:

یظهر علی جمیع الادیان عند قیام القائم عجل الله فرجه.^۲

جمع بندی

اقوال را می‌توان در سه قول جمع بندی نمود:

۱- مراد قیام حضرت مهدی عجل الله فرجه است. این قول دارای طرفداران بیشتری است و در روایات شیعه نیز آمده است و نیز عده‌ای از اهل سنت به آن قائل شده‌اند.

۲- مراد نزول حضرت عیسی علیه السلام است. فقط برخی از

اهل سنت به آن معتقد هستند.

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۸۴.

۲. قریشی، احسن الحدیث، ج ۱، ص ۱۴۴.

می‌توان گفت این دو قول به یک قول باز می‌گردد. چون نزول حضرت عیسی با قیام حضرت مهدی عجل الله فرجه همزمان است.

۳- مراد از غلبه، پیروزی در منطق و استدلال است، که دین اسلام از نظر استحکام منطق بر تمام ادیان چیره است.

گرچه این مطلب صحیح است که دین اسلام در منطق حاکم است، به نظر می‌رسد مراد از آیه، پیروزی و غلبه ظاهری و ایجاد حکومت اسلامی است؛ به طوری که در تمام نقاط زمین ندای اسلام شنیده شود و از شرک خبری نباشد.



آیه سترم

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا أَشْخَلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ
لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ
أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ
ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾^۱

نکته ها

۱- آیه وعده داده است که گروهی از مسلمانان مؤمن و صالح را در زمین جانشین مردمان گذشته خواهد کرد؛ چنانکه شیوه خداوند این گونه بوده که گروهی را جایگزین گروه دیگر کرده است.

۲- آن گروه موعود دارای چند ویژگی است:

یک: قدرت خواهند یافت تا دین اسلام را در سراسر

کره زمین مستقر نموده و صدای اسلام را به همه جا برسانند.

دو: امنیت و آرامش کامل برقرار خواهند کرد و بیم و ناامنی را از میان خواهند برد.

سه: عبادت خالصانه و توحید را در خود و جامعه بر پای خواهند کرد.

۳- در اینکه مقصود از آیه چه کسانی است چند قول است:

الف) اصحاب پیامبر؛

ب) امت حضرت محمد ﷺ؛

ج) حضرت مهدی عجل الله فرجه و یاران آن حضرت و

شیعیان زمان ظهور؛

د) مراد رجعت است.

۴- از اینکه ویژگی‌های یاد شده تاکنون در هیچ زمانی محقق نشده است معلوم می‌شود که آیه در باره آینده است.

۵- اکثر روایات شیعه و اجماع مفسران شیعه بر آن

است که مقصود زمان حضرت مهدی عجل الله فرجه است و این

وعده در آن زمان محقق خواهد شد.

۶- می‌توان گفت دو مصداق برای آن است: زمان

ظهور، رجعت.

نکات تفسیری

۱- ﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾: مفهوم آن

شامل همه عصرها می‌باشد و منحصر به زمان پیامبر ﷺ

نیست؛ چنانکه در آیات نظیر این نیز آمده است.

۲- ﴿مِنكُمْ﴾: جمله ﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا

الصَّالِحَاتِ﴾ در قرآن ۳۶ بار تکرار شده است و در هیچ یک

از آن موارد میان آن دو جمله واژه ﴿مِنكُمْ﴾ فاصله نشده

است و تنها در این آیه است که ﴿مِنكُمْ﴾ میان آن دو جمله

قرار گرفته است.

۳- مراد از ﴿مِنْ﴾ چیست؟ گروهی از مفسران به این

نکته پرداخته و بعضی مانند فخر رازی^۱ و نویسندۀ

المیزان^۲ تصریح کرده‌اند که ﴿مِنْ﴾ برای تبعیض است.

بعضی از مفسران سنی مذهب گرچه بدین نکته تصریح

نکرده‌اند، از اینکه مراد از آیه را چهار خلیفه دانسته‌اند

گویا ﴿مِنْ﴾ را تبعیضیه فرض نموده‌اند.^۳ برخی نیز گفته‌اند:

﴿مِنْ﴾ بیانیه هرگز بر ضمیر داخل نمی‌شود.^۴

۱. فخر رازی، تفسیر کبیر، ج ۲۴، ص ۲۵.

۲. محمدحسین طباطبایی (علامه)، پیشین، ج ۱۵، ص ۱۵۱، ذیل آیه.

۳. احکام القرآن جصاص، ج ۳، ص ۴۲۵.

۴. محمدحسین طباطبایی (علامه)، پیشین، ج ۱۸، ص ۳۰۱.

۴- اگر ﴿مِنْ﴾ برای تبعیض باشد مراد از ﴿كُم﴾ کسانی اند که در صف مسلمانان قرار دارند؛ خواه مؤمن و یا منافق و خواه صالح یا ناصالح باشند.^۱ و معنای آیه چنین می شود:

خداوند وعده داده است گروهی از کسانی را که در صف مسلمانان و دارای ایمان و عمل صالح هستند، در زمین جانشین گرداند.

۵- اگر ﴿مِنْ﴾ بیانیه باشد مراد از ﴿كُم﴾ همان ﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ خواهد بود.

۶- مفهوم ﴿كُم﴾ هرچه باشد مخصوص زمان پیامبر ﷺ نیست و تمام اعصار و زمان ها را در بر می گیرد؛ چنانکه مراد از ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾^۲ نیز عموم است.

۷- مراد از ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ چه کسانی اند؟

۱. محمدحسین طباطبایی (علامه)، پیشین، ج ۱۵، ص ۱۵۱.

۲. فتح / ۴۸: ۲۹.

اقوال مفسران

تفسیر قمی آورده است:

نزلت في القائم من آل محمد عليه السلام ^۱

و نیز در جای دیگر می نویسد:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا مِنكُمْ﴾ (یا معشر الائمة)

﴿وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...﴾ فهذا مما يكون اذا رجعوا الى الدنيا. ^۲

در تفسیر فرات کوفی آمده است:

عن ابن عباس رضي الله عنه في قوله ﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا

الصَّالِحَاتِ...﴾ نزلت في آل محمد عليه السلام. ^۳

مجمع البيان می نویسد:

در مقصود از آن سه قول گفته شده است:

الف) مراد اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله است.

ب) مراد امت حضرت محمد صلی الله علیه و آله است؛ چنانکه

ابن عباس و مجاهد گفته اند.

ج) در روایات اهل بیت علیهم السلام آمده است: مراد از آیه

حضرت مهدی عجل الله فرجه است که از خاندان

حضرت محمد صلی الله علیه و آله است.

۱. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۴.

۲. همان، ص ۳۵.

۳. تفسیر فرات کوفی، ص ۲۸۸.

عیاشی در روایتی نقل کرده است:

امام زین العابدین علیه السلام به هنگامی که این آیه را تلاوت کرد چنین فرمود:

به خدا سوگند، این گروه، شیعیان ما هستند و این وعده به دست مردی از ما که نامش مهدی است پدید خواهد آمد و آن مهدی همان است که رسول الله صلی الله علیه و آله در باره آن فرمود اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند خداوند آن روز را طولانی خواهد کرد تا مردی که نام آن همنام من است امور جهان را به دست گیرد و زمین را از عدل آکنده سازد، بعد از آنکه از ظلم آکنده شده باشد.

مانند این حدیث از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نیز نقل شده است.

بنابراین، مقصود از ﴿الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ پیامبر و اهل بیت آن حضرت - صلوات الله علیهم - می‌باشند و آیه بشارت داده است که آنان را در زمین جانشین خواهد کرد و قدرت آنان را در تمام دنیا مستحکم کرده و بیم و ناامنی را از میان آنان برطرف خواهد نمود و این در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه رخ خواهد داد.^۱

۱. طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۶۷.

در تفسیر نور الثقلین آمده است:

عن عبدالله بن سنان، قال سألت ابا عبدالله عليه السلام عن قول الله عز وجل: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ قال: هم الائمة. ^۱

نیز از امیرالمؤمنین عليه السلام:

... وذلك اذا لم يبق من الاسلام الا اسمه ومن القرآن الا رسمه وغاب صاحب الامر... وعند ذلك يؤيد الله بجنود لم تروها ويظهر دين نبيه صلى الله عليه وآله على يديه على الدين كله ولو كره المشركون. ^۲

تفسیر برهان:

عن ابي بصير عن ابي عبدالله عليه السلام في قوله ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ...﴾ قال: القائم واصحابه عليهم السلام. ^۳ و نیز فقال ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ مِنْكُمْ...﴾ علی بن ابراهیم: وهذا مما ذكرنا ان تأويله بعد تنزيله وهو معطوف على قوله ﴿رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ﴾. ^۴

۱. تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۶۱۶ و نیز تفسیر برهان، ج ۴، ص ۱۴۹.

۲. تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۶۱۹.

۳. تفسیر البرهان، ج ۴، ص ۱۴۹.

۴. همان.

الميزان:

والمتحصل من ذلك كله ان الله سبحانه يعد ﴿الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ ان سيجعل لهم مجتمعاً صالحاً خالصاً من وصمة الكفر والنفاق والفسق يرث الارض لا يحكم في عقائد افراده عامة ولا اعمالهم الا الدين الحق يعيشون من غير خوف من عدو داخل او خارج احراراً من كيد الكائدين وظلم الظالمين وتحكم المتحكمين. وهذا الجمع الطيب الطاهر على ما له من صفات الفضيلة والقداسة لم يتحقق ولم ينعقد منذ بعث النبي ﷺ الى يومنا هذا، وان انطبق فلينتطبق على زمن ظهور المهدي عجل الله فرجه على ما ورد من صفته في الاخبار المتواتر عن النبي ﷺ وائمه اهل البيت عليهم السلام لكن على ان يكون الخطاب للمجتمع الصالح لاله ﷻ وحده... فالحق ان الآية ان اعطيت حق مفادها لم تنطبق الا على المجتمع الموعود الذي سينعقد بظهور المهدي عجل الله فرجه.^١

شواهد التنزيل:

عن السدي عن ابن عباس في قوله ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ﴾ الى آخر الآية، قال: نزلت في آل محمد ﷺ.^٢

١. محمد حسين طباطبائي (علامة)، پيشين، ج ١٥، ص ١٥٥-١٥٦.

٢. حاكم حكاكي، شواهد التنزيل، ج ١، ص ٥٣٦.

جامع البيان:

يقول تعالى ذكره ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا (بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ) مِنْكُمْ (أَيُّهَا النَّاسُ) وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ يقول: واطاعوا الله ورسوله فيما أمراه ونهياه.^۱

الميزان چنین آورده است:

وقد استدل به في [تفسير] روح المعاني على ما ارتضاه من كون المراد بالاستخلاف في الآية ظهور الاسلام وارتفاع قدره في زمن الخلفاء الراشدين.^۲

جمع بندی اقوال

آیه ﴿الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ بر یکی از این پنج گروه تطبیق می‌کند:

۱- امت پیامبر ﷺ.

۲- اصحاب پیامبر ﷺ. اگر مقصود از اصحاب چهار

خلیفه باشد رجوع به قول سوم خواهد کرد و اگر مطلق صحابه باشد قول مستقل خواهد بود.

۳- چهار خلیفه از اول تا چهارم.

۴- حضرت مهدی و زمان ظهور.

۵- زمان رجعت.

۱. همان، ج ۱۸، ص ۲۱۱.

۲. محمدحسین طباطبایی (علامه)، پیشین، ج ۱۵، ص ۱۶۰، و نیز قریب به

این کلام در تفسیر کبیر، ج ۲۴، ص ۲۵.

کدام قول را انتخاب کنیم؟

در آیه، چهار ویژگی برای این گروه موعود بیان شده است:

(الف) جانشینی در تمام روی زمین.

(ب) تثبیت دین اسلام در سراسر جهان.

(ج) برقراری آرامش و امنیت و نابودی بیم و هراس در

همه کره زمین.

(د) عبادت خالصانه خداوند بدون اختلاط به شرک در

تمام نقاط زمین.

این چهار ویژگی به هریک از احتمال‌های یاد شده

تطبیق کند مقصود همان است.

اگر مراد از ﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ...﴾ امت پیامبر ﷺ باشد

این ویژگی‌ها در کدام زمان پدید آمده است؟ به یقین در

هیچ زمانی تاکنون رخ نداده است. در زمان پیامبر، اسلام

تنها در بخشی از جزیره العرب حاکم شد، نه در تمام جهان.

علاوه بر آن، امنیت برقرار نبود، بلکه اسلام در داخل از

سوی منافقان، و از بیرون از سوی روم و ایران مورد تهدید

جدی بود. نیز در زمان خلفای چهارگانه، گرچه فتوحات

انجام گرفت، هرگز اسلام به سراسر جهان راه پیدانکرد و

خوف و ناامنی نیز برقرار بود.

این چهار ویژگی هم بر ظهور امام مهدی عجل الله فرجه

منطبق است و هم بر رجعت؛ هر دو در روایات آمده است.

البته روایات ظهور بیشتر و روشن‌تر است، پس مصداق

کامل تر، زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه است؛ همان طور که در میزان و در مجمع البیان بیان شد. در مجمع البیان بعد از تأیید این نظر اضافه کرده است:

وعلى هذا اجماع العترة الطاهرة واجماعهم حجة لقول النبي صلى الله عليه وآله: «انى تارك فيكم الثقلين كتاب الله وعترتى اهل بيتى، لن يفترقا حتى يردا على الحوض» وايضاً فان التمكن في الارض على الاطلاق لم يتفق فيما مضى فهو منتظر لان الله - عز اسمه - لا يخلف وعده.^۱

در میزان نیز در ردّ این قول که مراد خلفا باشد آورده است:

وهو بمعزل عن ذلك بل دليل على خلافه، فان ظاهر كلامه ان الوعد الالهى لم يتم امر انجاز بعد وانهم يومئذ في طريقه حيث يقول ﴿والله منجز وعده﴾ وان الدين لم يمكن بعد ولا الخوف بدل اماناً وكيف لا وهم بين خوفين خوف من تنقض العرب من داخل وخوف من مهاجمة الاعداء من خارج.^۲

۸- در مجمع البیان پیرامون ﴿لَيْسَتْ خَلْفَتُهُمْ﴾ آمده است:

۱. طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۶۷.
۲. محمدحسین طباطبایی (علامه)، پیشین، ج ۱۵، ص ۱۶۰.

﴿لَيْسَتْ خُلَفَائِهِمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾

آی لیجمعنهم فیخلفون من قبلهم والمعنی «لیورثنهم ارض الکافر من العرب والعجم فیجعلهم سکانها وملوکها کما استخلف الذین من قبلهم» قال مقاتل: یعنی بنی اسرائیل؛ ان اهلك الله الجبابة بمصر، واورثهم وديارهم واموالهم^۱؛

یعنی این گروه موعود را جانشین گذشتگان گردانیده، تمام زمین های عرب و عجم را به ارث به آنان خواهد داد؛ تا آنان در آن سکونت گزیده، فرمانروا گردند. و مراد از کسانی که در گذشته جانشینان در زمین شده اند، بنا به گفته مقاتل، بنی اسرائیل است که خداوند بعد از نابود کردن ستمگران مصر، سرزمین و اموال آنان را در اختیار بنی اسرائیل قرارداد.

در المیزان مطالبی آمده است که خلاصه آن

چنین است:

استخلاف بر دو گونه تصور می شود:

۱- به معنای خلیفه الهی شدن و رهبر و امامت در روی زمین. این معنی در برخی آیات قرآن آمده است، مانند: ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾^۲ در این صورت مقصود از ﴿كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ (استخلاف گذشتگان) پیامبران الهی خواهند بود. یعنی ما این گروه موعود را امام

۱. طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۶۴.

۲. بقره/۲: ۳۰.

ورهبان الهی در روی زمین قرار خواهیم داد؛ چنانکه در گذشته نیز پیامبران را امام و رهبر قرار داریم.

۲- به معنای جانشین شدن قومی به جای اقوام گذشته و مسلط شدن گروهی بر زمین بعد از پایان سلطه گروه سابق است. این معنی نیز از برخی آیات قرآن استفاده می‌شود؛ مانند: ﴿أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾.^۱ در این صورت مراد از ﴿كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ امت‌های پیرو انبیا بوده‌اند که بعد از نابودی امت‌های ستمگر سابق به جای آنان ساکن زمین شده‌اند؛ مانند قوم نوح، هود، صالح و شعیب. آیه ﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ وَلَتُسَكِّنَنَّكُمْ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ﴾^۲ بر همین نکته دلالت دارد.

کدام یک از آن دو احتمال مراد است؟ احتمال اول بعید است. زیرا واژه ﴿الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ در قرآن در مورد انبیا به کار نرفته است. پس مقصود احتمال دوم است. بعضی ﴿كَمَا اسْتَخْلَفَ﴾ را فقط بنی اسرائیل دانسته‌اند، ولی دلیلی بر این اختصاص وجود ندارد.^۳

۱. انبیاء/ ۲۱: ۱۰۵.

۲. ابراهیم/ ۱۴: ۱۳ و ۱۴.

۳. محمدحسین طباطبایی (علامه)، پیشین، ج ۱۵، ص ۱۵۰.

پژوهشی در واژه «خلیفه» و «استخلف»

الخلیفة: من استخلف مکان من قبله ویقوم مقامه.^۱
خلف فلاناً: اذا جعله خلیفة کاستخلفه ومنه قوله تعالى:
لیستخلفنهم.^۲

آنچه از معنای خلیفه و استخلاف دانسته می‌شود فقط قرارگرفتن فرد یا گروهی در جایگاه فرد یا گروه قبل است و در اینکه در چه چیزی جانشین و جایگزین شده است، از آن فهمیده نمی‌شود.

چگونگی موضوع جایگزینی را باید از مضاف الیه و یا قراین مقامی و مقالی استفاده کرد، مثلاً اگر خلیفة رسول الله گفته شود، می‌فهمیم شئون پیامبر ﷺ برای فرد جانشین است. اگر گفتیم فلانی خلیفه زید و زید کارگر ساده کارخانه است، منظور این است که وی فقط در کارگری جانشین زید است. خلیفه، استخلاف و یا خلیف در قرآن، با کمک قراین، هم به معنای امامت و رهبری استعمال شده است و هم سکونت در زمین. برای معنای اول می‌توان به آیه «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»^۳ اشاره کرد.

۱. العین، الخلیل، ج ۴، ص ۲۶۷.

۲. الزبیدی، تاج العروس، ج ۶، ص ۱۰۲.

۳. بقره/۲: ۳۰.

در مجمع البیان در تفسیر این آیه چنین آمده است:

اراد بالخليفة آدم عليه السلام فهو خليفة الله في ارضه
يحكم بالحق.^۱

در الميزان چنین آمده است:

و من شأن الخليفة ان يحاكي الخليفة من استخلفه في
صفاته و اعماله فعلى خليفة الله في الارض ان يتخلق باخلاق
الله ويريد ويفعل ما يريد الله.^۲

همان گونه که ملاحظه می شود این دو مفسر به کمک
قرینه مضاف الیه (الله) خلیفه را به امامت و رهبری
معنا کرده اند و مؤید این معنا کلام امیرالمؤمنین عليه السلام است
که فرمود:

«إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»^۳ يكون حجة في ارضي
على خلقى.

بعضی از مفسران جانشین را سکونت در زمین به جای
فرشتگان دانسته اند. در تفسیر امام حسن عسکری عليه السلام چنین
آمده است:

قال الامام عليه السلام : «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» بدلاً

۱. طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۴۴.

۲. محمدحسین طباطبایی (علامه)، پیشین، ج ۱۷، ص ۱۹۴.

۳. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۷.

منکم رافعکم منها فاشتد ذلك عليهم لان العبادة عند رجوعهم الى السماء تكون اثقل عليهم.^۱

یعنی خداوند به فرشتگان خطاب کرد شما را از زمین به سوی آسمان خواهم برد و به جای شما آدم را جایگزین خواهم کرد. این مطلب بر فرشتگان گران آمد. زیرا عبادت برای آنان در آسمان دشوارتر بود.

در تفسیر جامع البیان نیز آمده است:

﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ ای مستخلف فی الارض خلیفه و مصیر فیها خلقاً و الخلیفة الفعیلة، من قولك: خلف فلان فلاناً فی هذا الامر اذا قام مقامه فیہ بعده.^۲

تفسیر ابن کثیر چنین معنی کرده است:

﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ ای قوماً مخلف بعضهم بعضاً قرناً بعد قرن و جیلاً بعد جیل كما قال تعالى: ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ﴾.^۳

نیز برای امامت و رهبری می توان به این آیه تمسک کرد: ﴿يَا دَاوُودَ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ

۱. تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۲۱۶ و نیز طبرسی، تفسیر

جوامع الجامع، ج ۱، ص ۹۱.

۲. ابن جریر طبری، پیشین، ج ۱، ص ۲۸۷.

۳. تفسیر ابن کثیر، ج ۱، ص ۷۲.

النَّاسِ بِالْحَقِّ»^۱ در این آیه خلیفه به معنای امامت و حاکمیت استعمال شده است و قرینه آن «فَأَحْكُم بَيْنَ النَّاسِ» است، وگرنه کلمه خلیفه بر امامت و رهبری دلالت ندارد.

برای استعمال خلیفه و استخلاف در مورد ساکن شدن قومی به جای قومی دیگر می‌توان به این آیه‌ها استدلال کرد:

اول: «فَكَذَّبُوهُ فَجَعَلْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ»^۲ در این آیه ابتدا غرق شدن قوم نوح، سپس نجات پیروان او و جایگزین شدن آنان را به جای سرپیچی‌کنندگان یاد کرده است. در اینجا مراد از «خَلَائِفَ» فقط ساکن شدن قوم گروه صالح در زمین به جای قوم بدکار است، نه به معنای رهبر و امامت آنان.

دوم: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا»^۳ در این آیه نیز

۱. همان، ص ۲۶.

۲. یونس / ۱۰: ۷۳.

۳. فاطر / ۳۵: ۳۹.

یادآور شده است که خداوند، شما (مردم) را در زمین ساکن گردانیده و گروهی می‌میرند و گروه دیگری جایگزین می‌شوند و این سنت به همین ترتیب ادامه دارد. هر کس که راه کفر بپوید زیانکار شده است.

نتیجه‌گیری

آیه یادشده صرف‌نظر از روایات، فقط بر جانشین شدن گروه موعود به جای مردمان سابق دلالت دارد، نه بر امامت و رهبری؛ چنانکه در آیه ﴿كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ﴾ نیز فقط بر همین معنا دلالت دارد. مقصود در آیه این است که ما گروه موعود را در سکونت، جانشین مردمان گذشته خواهیم کرد؛ همانطور که در گذشته این شیوه برقرار بوده که گروهی را جانشین پیشینیان می‌کردیم. آیه در صدد بیان این نیست که گروه گذشته و حال، کدام یک صالح یا غیر صالح بوده‌اند.

ویژگی گروه موعود در ﴿لِيُكِّنَنَّ﴾ و ادامه آیه

مشخص می‌شود.

از برخی از روایات استفاده می‌شود که مراد از

استخلاف در آیه، رهبری و امامت است:

عن ابی جعفر علیه السلام قال: ولقد قال ان الله عزوجل في كتابه لولاية الامر من بعد محمد صلی الله علیه و آله خاصة ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ... فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ يقول: استخلفكم لعلمي ودينی كما استخلف وصاة آدم من بعده حتى يبعث النبي الذي يليه يعبدونني ولا يشركون بي شيئاً يقولوا: يعبدونني وعبادتي بعد نيتكم بايمان لانبي بعد محمد صلی الله علیه و آله فمن غير ذلك فاولئك هم الفاسقون فقد مكن ولاة الامر بعد محمد بالعلم ونحن هم فاسألونا فان صدقناكم فاقروا ما اتمم بفاعلين.^۱

ظاهر این روایت آن است که امامان را به خاطر داشتن علم و عبادت و ایمان، جانشین پیامبر قرار داده است؛ همانند اوصیای آدم علیه السلام.

جمع بندی

مفاد آیه - بدون در نظر گرفتن روایات مستخلفین - تنها بر جانشینی در سکونت در زمین دلالت دارد و نه بر امامت و رهبری. پس گفتار بعضی از اهل سنت که مراد چهار خلیفه می باشد مردود است. علاوه بر آنکه از دیدگاه آنان خلافت انتخابی است نه با نصب خداوند.

۱. تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۶۱۶.

۹- ﴿وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ...﴾. در این قسمت سه ویژگی برای آن

قوم موعود بیان نموده است:

الف) استقرار دین مورد رضایت آنان که توحید و دین

اسلام است.

ب) استقرار امنیت و آرامش و رفع هرگونه

خوف و ترس.

ج) تحقق عبادت حقیقی به دور از شرک.

۱۰- ﴿فِي الْأَرْضِ﴾. ظهور این کلمه در تمام کره

زمین است.



آیه چهارم

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ
أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۱

نکته‌ها

- ۱- خداوند در تمام کتب آسمانی و زبور مقرر و حتمی کرده است که روزی بندگان صالح خداوند وارث کره زمین خواهند شد.
- ۲- این وعده تاکنون محقق نشده است و در آینده محقق خواهد شد.
- ۳- در آینده می‌تواند دو مصداق داشته باشد: ظهور امام زمان عجل الله فرجه، رجعت.
- ۴- در روایات شیعه هر دو یاد شده است.

۱. انبیا/۲۱: ۵-۱۰.

نکات تفسیری

تفسیر قمی با استناد به روایتی آورده است:

این آیه ویژه زمان رجعت است. در آن زمان است که اهل بیت مالک زمین خواهند شد و به دنیا بازخواهند گشت و دشمنان خویش را خواهند کشت.^۱

مجمع البیان:

«أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ» قيل: یعنی ارض الجنة ترثها عبادى الصالحون؛ عن ابن عباس وابن زید. فهو مثل قوله «وَأَوْزَرْنَا الْأَرْضَ» وقوله «الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ» وقيل: هي الارض المعروفة يرثها امة محمد ﷺ بالفتوح بعد اجلاء الكفار... عن ابن عباس فى رواية اخرى. وقال ابو جعفر عليه السلام: هم اصحاب المهدي عليه السلام فى آخر الزمان ويدل على ذلك ما رواه الخاص والعام عن النبی صلى الله عليه وآله قال: «لو لم يبق من الدنيا الا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم حتى يبعث رجلاً من اهل بيتى يملأ الارض عدلاً وقسطاً كما ملئت ظلماً وجوراً.»^۲

الميزان:

وفي تفسیر القمی: وقوله «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۹۸.

۲. طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج ۲، ص ۲۹۸.

الذَّكْرِ ﴿ قَالَ: الْكُتُبُ كُلُّهَا ذَكَرَ ﴿ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ
الصَّالِحُونَ ﴾ قَالَ: الْقَائِمُ وَاصْحَابُهُ. ^۱

جامع البيان:

مراد از ارض بهشت است و برخی نیز گفته‌اند مراد
سرزمین کافران است که امت محمد ﷺ آنها را به ارث
می‌برد. ^۲

جمع بندی

ظاهر کلمه ارض نشان می‌دهد که مقصود کره زمین است،
نه زمین بهشت. به کار بردن کلمه ارض بدون قرینه اقتضا
می‌کند که آن را به کره زمین ترجمه کنیم. مفاد آیه این
است که روزی صالحان وارث زمین خواهند بود و مصداق
این تاکنون مشاهده نشده است و ممکن است دو مصداق
داشته باشد: زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه و رجعت.



۱. محمدحسین طباطبایی (علامه)، پیشین، ج ۱، ص ۳۳۷.

۲. ابن جریر طبری، پیشین، ج ۱۷، ص ۱۳۷.

آیه پنجم

وَإِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ فِي الْأَذْيَانِ
كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿١﴾

نکته‌ها

۱- کسانی که با خدا و پیامبران دشمنی کرده‌اند، در زمره
ذلیل‌ترین افرادند.

۲- خداوند به یقین همه پیامبران را پیروز خواهد کرد.

۳- برخی گفته‌اند مقصود از این پیروزی، قوی بودن

استدلال و منطق است. زیرا آنان دارای استدلال‌های
محکم بوده‌اند.

۴- گرچه انبیا چنین بوده‌اند، مراد آیه این نیست. زیرا

انبیا در همهٔ زمانها دارای چنین ویژگی‌ای بوده‌اند؛ در صورتی که آیه پیروزی در آینده را وعده می‌دهد.

۵- برخی گفته‌اند مراد آیه نابودی امتهایی است که از

پیروی از پیامبران سرباز زدند؛ مانند غرق شدن قوم نوح و...

۶- این نیز نادرست است. زیرا این ویژگی برخی از

پیامبران بوده است، نه همه آنها؛ در صورتی که مفاد آیه پیروزی همهٔ انبیا است.

۷- ظاهر آیه پیروزی ظاهری و دنیوی و برپایی اهداف

خدا و رسولان است.

۸- این نوع پیروزی در گذشتهٔ تاریخ رخ نداده است.

پس وعده دربارهٔ آینده است.

۹- می‌توان گفت آیه از آن دسته آیاتی است که ظهور

حضرت مهدی عجالت‌الفرجه را وعده می‌دهد. زیرا در زمان

آن حضرت است که اهداف همهٔ پیامبران مشاهده شده،

بانگ توحید و بندگی (هدف خدا و پیامبر) در تمام دنیا

طنین‌انداز می‌شود.

۱۰- البته علاوه بر ظهور، رجعت هم ممکن است

مصدق دیگر آیه باشد.

نکات تفسیری

این آیه نیز همانند آیه ﴿قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ﴾^۱ می‌باشد؛ با این تفاوت که در آیه مجادله، پیروزی خدا و پیامبر را وعده داده است و در آیه آل عمران وعده شکست کافران را. هر دو آیه دو مطلب متضایف را بیان می‌کنند.

﴿كَتَبَ اللَّهُ﴾ : مجمع البیان می‌نویسد:

﴿كَتَبَ﴾ به منزله قسم، و لام در ﴿لَا غُلِبَنَّ﴾ جواب قسم است.^۲ ﴿لَا غُلِبَنَّ﴾ در آیه پیروزی خدا و پیامبران را وعده داده است.

حال این پرسش مطرح است که در جهان کنونی انبیا پیروز نشدند یا دست‌کم همه آنها پیروز نشده‌اند. برخی از آنان مانند یحیی و زکریا کشته شده‌اند و مفاد آیه اضافه رسل به یای متکلم ﴿رُسُلِي﴾ وعده پیروزی نسبت به تمام انبیا است.

مفسران در جواب این پرسش پاسخ‌هایی داده‌اند:

۱- مراد پیروزی در منطق و استدلال است؛ یعنی همه

پیامبران را از نظر دلیل و حجت پیروز کردیم، نه از نظر ظاهری.

۱. آل عمران (۳): ۱۲.

۲. طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج ۹، ص ۴۲۱.

این جواب به صورت احتمال در التبیان^۱ و مجمع البیان^۲ بیان شده است.

۲- المیزان:

مراد پیروزی انبیا در سه جنبه است:

الف) فطرت. چون انبیا دارنده استدلالات قوی بوده‌اند، هر فطرت سالمی با شنیدن سخن مستدل گرایش به آن پیدا می‌کند؛ گرچه در هنگام عمل نپذیرد.

ب) خداوند با نابودی امتهای سرپیچی‌کننده از پیامبران، پیروزی خود و پیامبران را در طول تاریخ نشان داده است.^۳

۳- سیوطی:

﴿لَا غَلِبَنَّا أَنَا وَرُسُلِي﴾ بالحجة او السيف.^۴

۴- ابن جوزی:

(قال) المفسرون: من بعث من الرسل بالحرب فعاقبة الامر له ومن لم يبعث بالحرب فهو غالب بالحجة.^۵

۱. شیخ طوسی، التبیان، ج ۹، ص ۵۵۶.

۲. طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج ۹، ص ۴۲۱.

۳. محمدحسین طباطبائی (علامه)، پیشین، ج ۱۹، ص ۱۹۵ و ۱۹۶.

۴. سیوطی، تفسیر جلالین، ص ۷۲۸.

۵. ابن جوزی، پیشین، ج ۷، ص ۳۲۸.

نقد اقوال و نظر نگارنده

به نظر ما هیچ یک از این جوابها صحیح نیست. زیرا مراد از آیه «لَا غُلْبَةَ» وعده پیروزی برای همه پیامبران در آینده است. اگر مقصود پیروزی در منطق و استدلال باشد پیامبران در تمام زمانها دارای استدلال قوی و فطرت‌پسند بوده‌اند؛ چه در زمان گذشته و چه آینده. علاوه بر آن فقط قوی بودن استدلال و مطابق با فطرت بودن، دلیل بر پیروزی نیست. زیرا دشمنان مانع از رسیدن این منطق به گوش دیگران می‌شدند.

اما این که مقصود از آن، نابودی برخی از امتهای متخلف باشد، این نیز صحیح نیست. چون این رخداد، ویژه برخی از پیامبران بوده در حالیکه مفاد آیه «رُسُلِي» وعده پیروزی برای همه آنان است. انگیزه ایمان نیز گرچه موجب تقویت است، چنین نبوده است که این انگیزه در همه موارد موجب پیروزی شود. موارد شکست نیز مانند جنگ احد، در میان بوده است.

به نظر ما مفاد آیه، وعده پیروزی برای همه پیامبران است و پیروزی آنان عبارت است از تحقق اهداف کامل آنان، که این مشاهده نخواهد شد مگر با ظهور حضرت

مهدی عجل الله فرجه یا زمان رجعت. این آیه خود از آیاتی است که بر ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه دلالت می‌کند؛ مانند آیات دیگری که گذشت.



آیه نهم

﴿وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا أَلْمُزْسَلِينَ
إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ﴾^۱

نکته‌ها

- ۱- خداوند وعده داده است که پیامبران خود را پیروز گرداند و آنان را یاری رساند.
- ۲- در اینکه مراد از نصرت آنان چیست - در صورتی که برخی از آنان نه تنها یاری نشده بلکه کشته شده‌اند - اقوالی گفته شده است.

۱. صافات/۳۷: ۱۷۱-۱۷۳.

۳- برخی گفته‌اند منطق و استدلال آنان را قوی قرار داده‌ایم تا بر استدلال سست مخالفان چیره شوند.

۴- گرچه انبیا از استدلال و منطق قوی برخوردار بوده‌اند، ظهور آیه، پیروزی در عالم واقعیت است، نه عالم استدلال.

۵- برخی گفته‌اند مراد انتقام کشیدن از مخالفان آنان است؛ با نابود کردن آنان بوسیلهٔ امدادهای آسمانی، مانند غرق کردن و....

۶- این نوع یاری‌رسانی، ویژهٔ بعضی از انبیا بوده است، نه همهٔ آنها، و وفاد آیه و عدهٔ پیروزی به همهٔ آنان است.
۷- به نظر می‌رسد پیروزی انبیا عبارت است از تحقق یافتن اهداف توحیدی آنان، و این در گذشته پدید نیامده است. پس به‌طور قطع در آینده است.

۸- می‌توان گفت این آیه وعده به ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه است که در زمان آن حضرت بانگ توحید در جهان طنین انداز می‌شود.

۹- رجعت نیز ممکن است مصداق دیگری از این آیه باشد.

نکات تفسیری

﴿وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْآلْمُرْسَلِينَ
إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ﴾

﴿كَلِمَتُنَا﴾: وعدة خداوند.^۱

مجمع البيان پیرامون ﴿إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنصُورُونَ﴾ می نویسد:

﴿إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنصُورُونَ﴾ في الدنيا والآخرة على الأعداء بالقهر والغلبة وبالْحجج الظاهرة. وقيل: معناه سبقت كلمتنا لهم بالسعادة.^۲

جامع البيان:

النصرة والغلبة بالحجج^۳

تفسیر قرطبی:

سبق الوعد بنصرهم بالحجة والغلبة.^۴

الميزان:

وقد اطلق النصر من غير تقييد بدنياه او آخرة او بنحو آخر بل القرينة على خلافه. قال تعالى: ﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾^۵ فالرسل ﷺ

۱. طبرسی، تفسیر مجمع البيان، ج ۸، ص ۳۳۸.

۲. همان.

۳. ابن جریر طبری، پیشین، ج ۲۳، ص ۱۳۶.

۴. تفسیر قرطبی، ج ۱۵، ص ۱۳۹.

۵. غافر/۴۰: ۵۱.

منصورون في الحجة لأنهم على الحق والحق غير مغلوب
 وهم منصورون على اعدائهم اما باظهارهم عليهم واما
 بالانتقام منهم. قال تعالى: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجَالًا
 نُوحِيَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى﴾ الى أن قال: ﴿حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَسَ
 الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّىَ مَنْ نَشَاءُ
 وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ﴾^۱.

نقد اقوال و نظر نگارنده

از جمع اقوال استفاده می‌شود که بعضی وعده خداوند به
 پیروزی را، پیروزی در استدلال و منطق و یا نابودی
 امت‌های متخلف و یا پیروزی بعضی از انبیا در زمانی
 خاص معنی کرده‌اند. هیچ کدام از این اقوال درست نیست
 و جواب آن در تفسیر آیه ۲۱ مجادله گذشت. زیرا مفاد آیه
 پیروزی یقیناً برای همه پیامبران است و ظهور پیروزی،
 غلبه در برپایی اهداف آنان است و این امر فقط در سایه
 قوت استدلال به دست نمی‌آید.

در آیه از وعده پیروزی همه پیامبران یاد شده است و
 این فقط با نابودی چند امت در زمان چند پیامبر تحقق

۱. یوسف/۱۲: ۱۰۹ و ۱۱۰.

نمی‌یابد. این آیه وعده برای پیروزی همه انبیا - مانند آیه ۲۱ مجادله - است و این پیروزی در تاریخ گذشته رخ نداده است. پس به ناچار باید در آینده رخ دهد و این با ظهور حضرت مهدی عجالت فرجه منطبق است، که هدف تمام انبیا در آن زمان محقق شده، ندای توحید در دور افتاده‌ترین نقاط جهان طنین انداز خواهد بود.

